

Self-Belief and the Development of the Muslim Individual, with Emphasis on the Economic Dimension: A Qur'anic Perspective

Baqer Hesami Azizi ¹

1. Assistant Professor, Department of Economics, Payame Noor University, Tehran, Iran.

Email: bhesami@pnu.ac.ir

Abstract

This study examines self-belief as a fundamental component in the formation of a balanced personality and the comprehensive development of the human being. The Holy Qur'an presents the human being as endowed with intrinsic dignity, free will, and God-given capacities and as capable of pursuing the path of perfection and advancement through faith, trust in God, and awareness of his or her inner potential. Within this framework, self-belief is not merely a psychological trait; rather, it is a reality grounded in a monotheistic worldview that guides individual and social conduct, particularly in the economic sphere. The study aims to elucidate the status of self-belief in the development of the Islamic individual, with particular emphasis on its economic dimension, from the perspective of the Holy Qur'an. Employing a descriptive-analytical method, the research draws on Qur'anic verses, authoritative exegetical works, and contemporary scholarly sources. The findings indicate that Qur'anic self-belief—grounded in faith in God, recognition of human dignity, awareness of divine vicegerency, and confidence in God-given abilities—contributes to the formation of an active, responsible, and industrious personality. Rather than embracing passivity and dependence, such an individual engages in work and production and makes proper use of available talents and resources. From a Qur'anic perspective, self-belief is inseparably connected with trust in God. While remaining conscious of personal limitations, the believer draws upon God-given capacities in pursuit of legitimate goals. In the economic sphere, Qur'anic self-belief produces several significant effects: it strengthens commitment to productive work and discourages passive dependence; safeguards human dignity and prevents economic humiliation; reinforces social responsibility through charitable giving, cooperation, and participation; and redirects economic conduct from narrow self-interest toward justice, poverty alleviation, and the reduction of inequality. Self-belief therefore not only motivates effective economic activity but also strengthens the ethical and social foundations of economic life. Accordingly, Qur'anic self-belief offers a model of the "Islamic economic agent"—an individual who combines self-confidence and independence with economic conduct governed by servitude to God, justice, and service to society. The development of the Muslim individual is realized through the interrelationship of faith, dignity, endeavor, and responsibility. Within the Qur'anic framework, self-belief constitutes both an educational and a civilizational principle that guides human beings toward perfection and a faith-centered way of life.

Keywords: Self-belief; Holy Qur'an; Economic development; Muslim individual

Received: 2026-05-09 | Received in revised from: 2026-06-05 | Accepted: 2026-07-24 | Published online: 2026-03-21

◆ **How to cite:** Hesami Azizi, Bagher(1405SH): Self-Belief and the Development of the Muslim Individual, with Emphasis on the Economic Dimension: A Qur'anic Perspective, *quran and social sciences*, 1(21), p10-35, 10.22034/arq.2025.247829

©2025. **Article type:** Research Article **Published by:** University of Holy Quran Sciences and Education
arq.quran.ac.ir



Research Article



خودباوری و رشد انسان اسلامی با تأکید بر بعد اقتصادی از منظر قرآن کریم

باقر حسامی عزیزی^۱

۱. استادیار، گروه اقتصاد، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. bhesami@pnu.ac.ir

چکیده

در این پژوهش، خودباوری به عنوان یکی از مؤلفه‌های بنیادین در شکل‌گیری شخصیت متعادل و رشد همه‌جانبه انسان بررسی شده است. قرآن کریم انسان را موجودی برخوردار از کرامت ذاتی، اختیار و توانمندی‌های الهی معرفی می‌کند که با اتکا به ایمان، توکل و شناخت ظرفیت‌های درونی خود می‌تواند مسیر کمال و پیشرفت را طی کند. در این چارچوب، خودباوری صرفاً یک ویژگی روان‌شناختی نیست، بلکه حقیقتی برخاسته از جهان‌بینی توحیدی است که رفتار فردی و اجتماعی انسان، به‌ویژه در عرصه اقتصادی، را جهت‌دهی می‌کند. هدف پژوهش، تبیین جایگاه خودباوری در رشد انسان اسلامی با تأکید بر بُعد اقتصادی از منظر قرآن کریم است. روش تحقیق توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر آیات قرآن، تفاسیر معتبر و منابع پژوهشی معاصر است. یافته‌ها نشان می‌دهد که خودباوری قرآنی، مبتنی بر ایمان به خدا، باور به کرامت انسان، توجه به خلافت الهی و اعتماد به توانایی‌های خدادادی، به شکل‌گیری شخصیتی فعال، مسئولیت‌پذیر و تلاشگر می‌انجامد. چنین انسانی به‌جای انفعال و وابستگی، مسیر کار، تولید و بهره‌گیری صحیح از استعدادها و منابع را برمی‌گزیند. در نگاه قرآن، خودباوری با توکل پیوندی ناگسستنی دارد؛ انسان مؤمن ضمن آگاهی از محدودیت‌های خویش، از ظرفیت‌های الهی برای تحقق اهداف مشروع بهره می‌گیرد. از نظر اقتصادی، خودباوری قرآنی آثار مهمی دارد: تقویت روحیه کار مولد و پرهیز از اتکای منفعلانه؛ حفظ عزت و کرامت انسانی و جلوگیری از ذلت اقتصادی؛ تقویت مسئولیت اجتماعی از طریق انفاق، تعاون و مشارکت؛ و هدایت رفتار اقتصادی از منفعت‌طلبی فردی به سوی عدالت، رفع فقر و کاهش نابرابری. بدین‌سان، خودباوری نه تنها کنش اقتصادی مؤثر را برمی‌انگیزد، بلکه بنیان‌های اخلاقی و اجتماعی اقتصاد را نیز تحکیم می‌کند. بر این اساس، خودباوری قرآنی الگویی برای «انسان اقتصادی اسلامی» ارائه می‌دهد؛ انسانی که در عین اعتماد به نفس و استقلال، رفتار اقتصادی خود را در چارچوب عبودیت، عدالت و خدمت اجتماعی تنظیم می‌کند. رشد انسان اسلامی در پیوند ایمان، کرامت، تلاش و مسئولیت معنا می‌یابد و خودباوری در منطق قرآن، مؤلفه‌ای تربیتی و تمدنی در مسیر تعالی انسان و زیست مؤمنانه است.

کلیدواژه‌ها: خودباوری، قرآن کریم، رشد اقتصادی، انسان اسلامی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۲/۱۹ | تاریخ اصلاح: ۱۴۰۵/۰۳/۱۵ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۵/۰۲ | تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۵/۰۷/۰۱

◆ **استناد به این مقاله:** حسامی عزیزی، باقر (۱۴۰۵): ((خودباوری و رشد انسان اسلامی با تأکید بر بعد اقتصادی از منظر قرآن کریم)). **قرآن و علوم اجتماعی**، ۱۱(۲۱)، ۳۵-۱۰. [10.22034/arq.2026.247829](https://doi.org/10.22034/arq.2026.247829)

۱. مقدمه

انسان در نگاه قرآن کریم موجودی الهی، مختار و دارای ظرفیتی نامحدود برای شکوفایی و رشد است. این ظرفیت در پرتو ایمان، تفکر، اراده و تلاش هدفمند بالفعل می‌شود. یکی از بنیادین‌ترین عوامل رشد و شکوفایی انسان، «خودباوری» است؛ یعنی باور به توانایی‌های الهی خود بر اساس ایمان و توکل. خودباوری از منظر قرآن کریم، فراتر از آنچه در روان‌شناسی به عنوان اعتماد به نفس شناخته می‌شود و در پیوندی عمیق با توحید، کرامت انسان، مسئولیت و خلافت الهی قرار دارد (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴: ۱۴). قرآن کریم، انسان را خلیفه‌الله می‌نامد و کرامت او را در برخورداری از اختیار و ایمان می‌داند؛ بنابراین خودباوری قرآنی، بازشناسی جایگاه الهی انسان و باور به توانایی او در ایفای وظیفه خلافت در جهان است. در مبانی فکری تمدن اسلامی، رشد انسان جز در سایه ایمان، اخلاق و عمل صالح تحقق نمی‌یابد. خودباوری نیز در همین بستر معنا پیدا می‌کند و با توکل، رضا و اخلاص در ارتباط است (میرزایی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۳۱).

انسان مؤمن برخلاف انسان سکولار صرفاً خودمحور، قدرت و عزت خویش را از اتصال به خداوند می‌یابد. این نوع خودباوری، سرچشمه امید، پایداری و فعالیت هدفمند در عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی است. در عصر حاضر، یکی از چالش‌های جوامع اسلامی ضعف باور به توانایی‌های درونی و وابستگی ذهنی به الگوهای اقتصادی غیردینی است. از دیدگاه قرآن کریم، جامعه‌ای که انسان‌های مؤمن و خودباور تربیت کند، از نظر اقتصادی و فرهنگی نیز توانمند خواهد بود. آیات متعددی مانند «وَقُلْ اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللّٰهُ عَمَلَكُمْ» (توبه: ۱۰۵) و «اِنَّ اللّٰهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتّٰى يَغَيِّرُوْا مَا بِاَنْفُسِهِمْ» (رعد: ۱۱)، نشان می‌دهند که تغییر و پیشرفت اقتصادی و اجتماعی، از درون انسان و باور او به نقش و توانایی‌های خویش آغاز می‌شود. پژوهش‌های معاصر در حوزه اندیشه اسلامی نیز این دیدگاه را تأیید کرده‌اند؛ (میرمعزی، ۸۰: ۱۳۹۰-۱۲۰) بیان می‌کند که خودباوری قرآنی موجب استقلال اقتصادی و عزت

نفس اجتماعی در سطوح فردی و جمعی می‌شود. (مصباح یزدی، ۱۳۸۷، ۱: ۱۲۸-۱۲۹) بر این باورند که ایمان به توانمندی الهی، سرچشمه اخلاق کار و کارآفرینی مبتنی بر عدالت است. (عبداللهی عابد و قبادی، ۱۳۹۳: ۱۰۹-۱۳۰) نیز مفهوم «انسان اقتصادی اسلامی» را با محوریت خودباوری و توکل بازتعریف کرده‌اند و نتیجه گرفته‌اند که انسان مسلمان زمانی در اقتصاد موفق است که استعداد الهی خویش را به‌منزله عبادتی در مسیر آبادانی زمین به کار گیرد. در مطالعات جهانی نیز این پیوند میان ارزش‌های ایمانی و خودباوری اقتصادی موردتوجه قرار گرفته است؛ چپمن (Chapman, ۲۰۲۲: ۸۹-۱۱۳) در پژوهشی با عنوان «ایمان و انگیزه اقتصادی» بیان می‌کند که ایمان دینی بزرگ‌ترین منبع اعتماد به نفس اخلاقی در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی است. همچنین حق و کشاورز (Haque & Keshavarzi, ۲۰۲۳: ۴۴-۶۲) در مطالعه‌ای با عنوان «روان‌شناسی اسلامی و اقتصاد اخلاقی»، نشان می‌دهند که خودباوری دینی، عامل تنظیم عقلانیت اقتصادی در جهت عدالت و رفاه اجتماعی است. سینگ (Singh, ۲۰۲۴: ۲۱۰-۲۳۳) نیز در پژوهشی تطبیقی بر جوانان مسلمان جنوب شرق آسیا نتیجه می‌گیرد که توکل و خودباوری دینی، میل به کار مفید و کاهش وابستگی اقتصادی را تقویت می‌کند.

از منظر علوم اجتماعی اسلامی، انسان خودباور محور توسعه انسانی پایدار است. کرامت انسان به عنوان هدف نهایی توسعه باید در جهت ارتقا ارزش و منزلت انسان در ابعاد مادی، معنوی و اجتماعی باشد (بذریاش و صالحی، ۱۴۰۵: ۱۳). خودباوری قرآنی پیوندی میان معنویت و کنش اجتماعی برقرار می‌سازد که نتیجه آن پویایی اقتصادی و کاهش فقر فرهنگی است. ضعف در خودباوری دینی موجب وابستگی اقتصادی و کاهش عزت امت اسلامی می‌شود، درحالی‌که تقویت آن زمینه‌ساز ظهور انسان مؤمن خلاق، مسئولیت‌پذیر و عدالت‌جو می‌گردد.

در اندیشه اسلامی، اقتصاد نه صرفاً حوزه تولید و توزیع، بلکه یکی از میدان‌های تربیت انسان است. انسان اقتصادی اسلامی باید در عین تلاش

برای تأمین معاش، به اصول کرامت، عدالت و خدمت به خلق پایبند باشد (ابراهیمی زاد جویمی و تلاشان، ۱۳۹۳: ۱۴۷). چنین انسانی اگر از خودباوری قرآنی برخوردار باشد، به جای وابستگی به نظام‌های مالی بیرونی، با تلاش، توکل و عقلانیت، مسیر خودکفایی و رشد درون‌زا را پی می‌گیرد. این نگاه در آموزه‌های امام علی (ع) نیز ریشه دارد، آنجا که کار را وسیله عزت و استقلال انسان دانسته‌اند.

از منظر علوم اجتماعی اسلامی، «انسان خودباور» محور توسعه انسانی پایدار است. پژوهش‌های اجتماعی متأخر نیز نشان داده‌اند که اعتماد به توانمندی‌های خدادادی، عامل بازسازی انگیزش شغلی و مشارکت گروهی در جامعه قرآنی است (ذوالفقاری و میرزایی، ۱۴۰۴: ۱۲۰). بر اساس مدل پیشنهادی آنان، خودباوری قرآنی، پیوندی میان معنویت و کنش اجتماعی برقرار می‌سازد که نتیجه آن پویایی اقتصادی و کاهش فقر فرهنگی است.

خودباوری به مثابه ایمان به توانایی‌های ذاتی انسان بر مبنای توکل الهی تعریف شده و نقش آن در رشد عبادی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بررسی گردید (حسامی عزیزی، ۱۴۰۴: ۱۶۴). باین حال، تمرکز پژوهش حاضر بر بُعد اقتصادی این مفهوم است و تلاش می‌کند سازوکارهای درونی و کارکردهای عینی خودباوری در کنش اقتصادی انسان اسلامی را به صورت تفصیلی تحلیل نماید؛ ازاین رو، بازشناسی مفهوم خودباوری در قرآن و بررسی نسبت آن با رشد انسان اسلامی، به ویژه در بعد اقتصادی، ضرورتی علمی و اجتماعی دارد. ضعف در خودباوری دینی نه تنها به انزوا و رکود فرهنگی می‌انجامد بلکه موجب وابستگی اقتصادی و کاهش عزت امت اسلامی می‌شود. در مقابل، تقویت خودباوری قرآنی زمینه ساز ظهور انسان مؤمن خلاق، مسئولیت‌پذیر و عدالت‌جو است که در همه عرصه‌ها، از جمله فعالیت اقتصادی، روح توکل و کار جمعی را زنده می‌سازد.

با توجه به مسائل یادشده، پژوهش حاضر با هدف تبیین مفهوم خودباوری از منظر قرآن کریم و بررسی نقش آن در رشد انسان اسلامی با تأکید بر بُعد اقتصادی

انجام می‌شود. این پژوهش در پی پاسخ به این سؤال است که خودباوری در قرآن چگونه تعریف و نهادینه می‌شود و چه نسبتی با رشد اقتصادی و کرامت انسان دارد. برای نیل به این هدف، تحقیق حاضر ضمن بررسی پیشینه‌های نظری و تبیین مبانی قرآنی و روایی، تلاش می‌کند الگویی نظام‌مند از رابطه میان ایمان، خودباوری و رشد انسان اقتصادی اسلامی ارائه دهد تا بتواند در ارتقای فهم قرآنی از توسعه انسانی مؤثر باشد.

۲. پیشینه

پیشینه پژوهش را می‌توان در سه حوزه اصلی بررسی کرد: در مطالعات مربوط به خودباوری در قرآن، جوادی آملی (۱۳۸۹) در تبیین مبانی انسان‌شناختی قرآن، بر این باور است که کرامت ذاتی انسان و شناخت نسبت به خلافت الهی، زیربنای حقیقی عزت نفس و اعتماد به نفس مؤمنانه را تشکیل می‌دهد. در این نگرش، خودباوری راستین تنها در سایه توحید و شهود فقر وجودی انسان در پیشگاه خداوند حاصل می‌شود که آثار تربیتی و رفتاری گسترده‌ای در پهنه فردی و اجتماعی دارد، هرچند تحلیل‌های اقتصادی مستقیمی در این حوزه ارائه نمی‌دهد.

فعالی (۱۳۹۴) با تمرکز بر روان‌شناسی اسلامی و مهارت‌های خودآگاهی، نقش توکل و ایمان را در تقویت بهداشت روان و اعتماد به نفس تحلیل می‌کند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که خدا باوری مانع از بروز احساس پوچی و سرخوردگی شده و انگیزه لازم را برای کنش‌های مثبت اجتماعی فراهم می‌سازد؛ با این حال، تعامل این سازه با متغیرهای اقتصادی مغفول مانده است. حسینی و برهمن (۱۴۰۲) به بررسی پیوند میان باورهای توحیدی و تاب‌آوری فردی پرداخته و نشان می‌دهند که باور به قدرت الهی و توکل، تاب‌آوری و اعتماد به نفس مؤمنان را در مواجهه با بحران‌های زندگی افزایش می‌دهد. این پژوهش آثار این پدیده را عمدتاً در سطح سلامت روان و روابط اجتماعی تحلیل کرده و به متغیرهای حوزه رشد و رفتار اقتصادی ورود نکرده است.

علیزاده و قطبی (۱۴۰۲) با بررسی آیات ناظر بر صبر، تلاش و اعتماد به نفس دینی، مدل‌های رفتاری جامعه قرآنی را تبیین کرده‌اند. این پژوهش نشان می‌دهد که خودباوری برآمده از آموزه‌های وحیانی، عاملی کلیدی در انسجام اجتماعی و ایستادگی در برابر چالش‌های بیرونی است، اما به نقش کارکردی آن در چرخه تولید و توسعه اقتصادی پرداخته است.

حسامی‌عزیزی (۱۴۰۴) در مطالعه‌ای قرآنی بر مفهوم همت عالی و خودباوری مؤمنانه، ابعاد جدیدی از آثار فردی و اجتماعی اعتماد به نفس مبتنی بر ارزش‌های دینی را آشکار می‌سازد. نویسنده تأکید می‌کند که پویایی جامعه اسلامی در گرو پذیرش عاملیت انسان بر اساس هدایت الهی است، اما با این وجود، رابطه ساختاری این خودباوری را با شاخص‌های رشد اقتصادی تبیین نمی‌کند. بذرباش و صالحی (۱۴۰۵) با تحلیل نظری متون دینی و جامعه‌شناختی نشان می‌دهد که توسعه پایدار در جوامع اسلامی بدون نهادینه ارزش‌های دینی در سیاست‌های اجتماعی و اقتصادی امکانپذیر نیست.

در مطالعات علوم اجتماعی اسلامی (تمرکز بر ابعاد فرهنگی و اجتماعی)، ایازی (۱۴۰۲) در پژوهش خود بر نقش ساختارهای اجتماعی و فرهنگی در شکل‌گیری هویت فردی و جمعی تأکید کرده است. وی خودباوری را به عنوان یک برساخت فرهنگی معرفی می‌کند که می‌تواند انسجام اجتماعی را تقویت کند، اما در تحلیل‌های خود به چگونگی تبدیل این پتانسیل فرهنگی به شاخص‌های رشد اقتصادی ورود نکرده است. عاشوری و خوش‌نیت (۱۴۰۴) با بررسی جایگاه خودباوری در پیشرفت جامعه از منظر آیات و دیدگاه‌های رهبری، این سازه را محرکی برای استقلال و پایداری ملی دانسته‌اند. اگرچه این پژوهش بر «پیشرفت» تأکید دارد، اما تمرکز آن بیشتر بر ابعاد گفتمانی و انگیزشی است و ارتباط فنی و مستقیم میان خودباوری و متغیرهای کلان رشد اقتصادی را تحلیل نکرده است.

حسامی‌عزیزی (۱۴۰۴) خودباوری را به عنوان یک عامل زیربنایی در توسعه سرمایه اجتماعی جوامع اسلامی تبیین می‌کند. این مطالعه نشان می‌دهد که

چگونه باورهای دینی می‌توانند هنجارهای اجتماعی را به سمت پویایی سوق دهند، با این حال، فقدان تحلیل‌های اقتصادی در مورد پیامدهای مستقیم این خودباوری بر تولید و ثروت‌مندی جامعه در آن مشهود است.

در مطالعات بین‌رشته‌ای اقتصادی و روان‌شناسی دین (تمرکز بر انگیزش معنوی) نیز عبداللّهی و قبادی (۱۳۹۳) با نگاهی به راهکارهای قرآنی برای رونق اقتصادی، بر مؤلفه‌هایی مانند تقویت تولید و جهاد اقتصادی تأکید کرده‌اند. این پژوهش نشان می‌دهد که ایمان مذهبی می‌تواند انگیزه فعالیت‌های مادی را افزایش دهد، اما مدل مدونی برای پیوند دادن «خودباوری فردی» به «رشد انسان اسلامی» ارائه نمی‌دهد. میرمعزی (۱۳۹۰) در تبیین نظام اقتصادی اسلام، نقش باورها و ارزش‌ها را در رفتار مصرف‌کننده و تولیدکننده بررسی کرده است. وی معتقد است انگیزش اخلاقی، جهت‌گیری اقتصادی مؤمن را تغییر می‌دهد، اما ادبیات پژوهشی وی فاقد تبیین روان‌شناختی-قرآنی از مفهوم خودباوری به عنوان موتور محرک رشد انسانی است. سجادی و همکاران (۱۴۰۲) در یک مطالعه بین‌رشته‌ای، تأثیر معنویت را بر کنش‌های اقتصادی کارآفرینان بررسی کرده‌اند. یافته‌های آنان نشان می‌دهد که توکل و ایمان باعث جسارت اقتصادی می‌شود، با این حال، پژوهش آن‌ها به ارائه یک الگوی جامع که ریشه در آموزه‌های قرآنی برای رشد همه‌جانبه انسان داشته باشد، منتهی نشده است. رفیعی (۱۴۰۳) بر اهمیت انگیزه زایدالوصف ناشی از ایمان در پیشبرد اهداف اقتصادی تأکید دارد. وی نشان می‌دهد که چگونه روان‌شناسی دین می‌تواند به بهبود عملکرد در محیط‌های کاری اسلامی کمک کند، اما همچنان خلأ یک مدل جامع قرآنی که رابطه خودباوری و رشد را تبیین کند، در آثار او دیده می‌شود.

چپمن (۲۰۲۲) در پژوهش خود با عنوان «ایمان و انگیزه اقتصادی»، استدلال می‌کند که ایمان دینی بزرگ‌ترین منبع اعتماد به نفس اخلاقی در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی است. او این مفهوم را در قالب «سرمایه اخلاقی» تحلیل می‌کند، اما رویکرد وی عمدتاً جنبه جامعه‌شناختی عمومی دارد و فاقد

چارچوب اختصاصی مبتنی بر منابع وحیانی (قرآن) است. حق و کشاورزی (۲۰۲۳) به بررسی تلاقی روان‌شناسی مثبت‌گرا و اقتصاد اسلامی پرداخته‌اند. آن‌ها نشان می‌دهند که مفاهیمی مانند امید و توکل، کارایی اقتصادی را بالا می‌برد، اما نتوانسته‌اند این یافته‌ها را در قالب یک مدل ساختارمند برای رشد انسان اسلامی بر پایه خودباوری قرآنی صورتبندی کنند. سینگ (۲۰۲۴) با نگاهی نوین به نقش دین در رفتارهای اقتصادی معاصر، بر این باور است که محرک‌های درونی دینی بسیار پایدارتر از محرک‌های مادی هستند. با این وجود، پژوهش وی به دلیل ماهیت کلی، از ارائه یک تبیین دقیق و جزئی در مورد سازوکار «خودباوری قرآنی» و نقش آن در مدل رشد انسانی بازمانده است که همگی بر انگیزش معنوی در کنش اقتصادی تأکید دارند، اما ادبیات موجود فاقد مدل جامع قرآنی برای تبیین رابطه خودباوری و رشد انسان اسلامی است.

نوآوری پژوهش حاضر در آن است که مفهوم «خودباوری قرآنی» را صرفاً به عنوان یک ویژگی روان‌شناختی فردی تلقی نمی‌کند، بلکه آن را برآمده از مبانی انسان‌شناختی قرآن کریم همچون توحید، کرامت انسانی، اختیار و خلافت الهی دانسته و نشان می‌دهد که این مفهوم می‌تواند به عنوان حلقه واسط میان ایمان و رفتار اقتصادی انسان مسلمان عمل کند. از این منظر، مقاله می‌کوشد چارچوبی مفهومی برای تبیین نقش خودباوری در شکل‌گیری انسان اقتصادی فعال، مسئولیت‌پذیر و عدالت‌محور در نظام ارزشی اسلام ارائه دهد.

<https://arq.quran.ac.ir>

۳. روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر روش توصیفی و تحلیلی و از نظر هدف بنیادی است. گردآوری داده‌ها به روش اسنادی و کتابخانه‌ای مبتنی بر آیات قرآن کریم و تفاسیر معتبر (المیزان، نمونه و تفاسیر موضوعی) انجام شده است. تحلیل داده‌ها به روش توصیفی-تحلیلی صورت گرفته و مفاهیم کلیدی مانند کرامت انسانی،

توکل، مسئولیت‌پذیری و تلاش، استخراج و در سه محور مبانی اعتقادی، ابعاد اخلاقی و کارکردهای اقتصادی دسته‌بندی شده‌اند.

۴. مفهوم‌شناسی خودباوری در قرآن کریم

تعریف مفهومی خودباوری: خودباوری در مفهوم قرآنی، صرفاً اعتماد به نفس و احساس مثبت نسبت به خویش نیست، بلکه باور آگاهانه به توانمندی‌های الهی درون انسان است که ریشه در توحید و شناخت کرامت انسانی دارد (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ۱۲: ۱۰۹). خودباوری با شبکه‌ای از مفاهیم دینی نظیر کرامت نفس، عزت نفس، حرمت نفس، عدم سرزنش خویش، اراده مندی، توانایی حل مسئله و تکیه نمودن بر خالق جهان و امکانات آن، در ارتباط است (فعالی، ۱۳۹۴: ۸۲). درواقع، انسان قرآنی از خود به‌عنوان «خلیفه‌الله» یاد می‌کند؛ یعنی موجودی مأمور، مسئول و برخوردار از قابلیت اصلاح و آبادانی زمین. این باور به قدرت الهی نهفته در نفس، سرچشمه حرکت، مسئولیت و رشد در همه ابعاد زندگی است. در تبیین مبانی نظری خودباوری از منظر قرآن کریم، می‌توان به این نکته اشاره کرد که اعتماد به نفس در چارچوب قرآنی، صرفاً اتکای فرد به توانایی‌های شخصی نیست، بلکه مبتنی بر ایمان به خداوند و توکل بر او معنا می‌یابد. در این رویکرد، خودباوری به‌مثابه ایمان به استعدادهای درونی اعطاشده از سوی خداوند، نقش مهمی در رشد شخصیت انسانی ایفا می‌کند و زمینه‌ساز تعالی انسان در ابعاد عبادی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی می‌شود. به تعبیر دیگر، کرامت ذاتی انسان و جایگاه خلافت الهی، پشتوانه نظری شکل‌گیری اعتماد به نفس قرآنی است (عبداللهی عابد و قبادی، ۱۳۹۳: حسامی عزیزی، ۱۴۰۴: ۱۶۴). روش‌های سازنده برگرفته از آیات قرآن برای اصلاح خودباوری عبارت‌اند از: تأسی محب از محبوب، تحریک انگیزه‌های ایمانی و تقویت خداخواهی، تقوا و تزکیه، خودپایشی و خودکنترلی (حسینی و برهمن، ۱۴۰۲: ۱۶۳). در روان‌شناسی غربی، خودباوری غالباً به‌عنوان مؤلفه‌ای از عزت نفس یا کارآمدی شخصی

معرفی می‌شود) (Haque & Keshavarzi, ۲۰۲۳: ۴۴)؛ اما در قرآن، این باور از نوع معرفتی و عبادی است؛ انسان، خود را مستقل از خداوند نمی‌بیند، بلکه به واسطه ارتباط با او، احساس توانمندی می‌کند. چنین رویکردی، محور نظریه «انسان مؤمن فعال» در اندیشه اسلامی است؛ جایی که ایمان، عقل و عمل صالح سه ستون خودباوری را شکل می‌دهند (مطهری، ۱۴۰۲: ۳۳). شکل‌گیری و رشد هسته اولیه اعتماد به نفس از لحظه اول تولد شروع شده و در تمام طول زندگی ادامه دارد. برای ترقی اعتماد به نفس باید توانائی‌های انسان شناخته شود و پاسخ مناسب به آن داده شود (صالحی و رخشنده ابرقویی، ۱۴۰۰: ۱). روحیه خودباوری یکی از مؤلفه‌های بنیادین سلامت روان، پویایی اجتماعی و توانمندسازی فردی در نظام تربیتی اسلام است و در متون دینی، به‌ویژه در سیره معصومان علیهم‌السلام، ریشه‌های عمیق معرفتی، اخلاقی و رفتاری دارد. این پژوهش در ارائه الگویی فرآیندی و اخلاق‌محور است که علاوه بر تبیین نظری، قابلیت به کارگیری در نظام‌های تربیتی، آموزشی و فرهنگی را دارد. نتیجه نشان داد ترکیب تجربه عملی با پشتیبانی معنوی، مهم‌ترین سازوکار انتقال خودباوری از سطح باور ذهنی به توانمندی عملی پایدار است (مهدوی فرد و مرادی، ۱۴۰۵: ۲۴۵).

تمایز خودباوری قرآنی با برداشت‌های سکولار: برداشت سکولار از اعتماد به نفس، بر استقلال انسان از خداوند، تکیه بر اراده فردی و نسبی‌گرایی اخلاقی استوار است؛ حال آنکه قرآن، استقلال مطلق انسان را نفی و وابستگی وجودی او به خالق را حقیقتی بنیادین می‌داند. از منظر قرآنی، خودباوری بدون ایمان، خودفریبی است و به غرور و انحراف می‌انجامد. به تعبیر آیه «وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا» (اسراء: ۳۷)، انسان باید هم عزت نفس داشته باشد و هم متواضع باشد. این تعادل میان عزت و تواضع، فقط در الگوی الهی خودباوری قابل تحقق است. مطالعه چپمن (Chapman, ۲۰۲۲: ۸۹) نشان می‌دهد که رویکرد دینی به اعتماد به نفس، برخلاف مدل‌های روان‌شناسی خودمدار، نه به خودبزرگ‌بینی، بلکه به مسئولیت‌پذیری اجتماعی منتهی می‌شود. در همین

راستا، سینگ (Singh, ۲۰۲۴: ۲۱۰) ثابت می‌کند جوانان مسلمان با سطح بالای ایمان، الگوی سالم‌تری از خودباوری اقتصادی و اجتماعی دارند و سبک زندگی آنان کمتر متأثر از مصرف‌گرایی و ناامیدی است. این یافته‌ها هم‌راستا با آموزه‌های قرآنی درباره علل عزت و ذلت انسان است: «مَنْ كَانَ يَرْيِدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا» (فاطر: ۱۰).

مبانی قرآنی خودباوری: قرآن کریم با تعبیراتی عمیق، ساختار روانی و معنوی خودباوری را تبیین کرده است. آیات متعددی بر شناخت نفس، کرامت انسان و قدرت اراده تأکید دارند: «وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا، فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا» (شمس: ۷-۸)؛ یعنی انسان به تشخیص خیر و شر تواناست. «لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (اسراء: ۷۰)؛ نشان‌دهنده منشأ کرامت ذاتی انسان و در نتیجه، ریشه خودباوری الهی. «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا» (شمس: ۹)؛ تأکید بر تزکیه نفس به عنوان مسیر رشد و ظهور اعتماد به توان معنوی خویش.

در تفسیر المیزان، علامه طباطبایی خودباوری را لازمه فعلیت قوه عقل و ایمان در وجود انسان دانسته و می‌نویسند: «انسان دارای ایمان، با اتکا بر خدا، خود را مسئول و قادر بر تغییر می‌بیند، نه اسیر محیط» (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ۲: ۳۲۱). همین معنا را می‌توان در نهج‌البلاغه مشاهده کرد که امام علی (ع) کرامت انسان را در استقلال از غیر خدا، تلاش برای رزق حلال و مبارزه با ضعف اراده می‌داند.

خودباوری و رشد انسان اسلامی: رشد انسان از دید قرآن، رشد چندبعدی است: اعتقادی، اخلاقی، اجتماعی و اقتصادی. خودباوری به عنوان ویژگی محوری، زمینه‌ساز شکوفایی این ابعاد است (حسامی عزیزی، ۱۴۰۴: ۱۵۹). در وجوب و ضرورت خودباوری و اعتماد به نفس این نکته حائز اهمیت است که خداوند در بیشتر آیات به آن اشاره کرده و لزوم تقویت این عنصر در پیشرفت شخص و جامعه را یادآور می‌شود (عاشوری و خوش نیت، ۱۴۰۴: ۱). مؤلفه‌های خودباوری در روایات علوی دربرگیرنده خودباوری فردی، اعتقادی و نوعی است (علیزاده و قطبی، ۱۴۰۲: ۳۳). بر اساس پژوهش مهدوی فرد و

مرادی، (۱۴۰۵) خودباوری قرآنی سبب تقویت روحیه کار، نوآوری و اتکای به تلاش در حوزه اقتصادی می‌شود؛ زیرا فرد مؤمن، کنش اقتصادی را وظیفه دینی تلقی می‌کند، نه صرفاً منفعت‌طلبی. این نگرش به رشد منتهی به «اقتصاد عبادی» می‌شود که هدف آن نه فقط توسعه مادی، بلکه رشد انسانیت و خدمت اجتماعی است. مطالعه (فلاحیان بیشه و محرابی، ۱۴۰۴؛ معصومی، ۱۴۰۴: ۱) در جوامع اسلامی نشان می‌دهد خودباوری مبتنی بر ایمان، شاخص‌ترین عامل در شکل‌گیری اقتصاد مقاومتی است؛ زیرا جامعه‌ای که به استعدادها و خود ایمان دارد، در برابر بحران‌ها مقاوم‌تر عمل می‌کند. چنین خودباوری، ریشه در آموزه توکل دارد؛ هم ایمان به یاری خدا و هم تعهد به عمل. قرآن در آیه «فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ» (آل عمران: ۱۵۹) این تعامل میان تصمیم و توکل را اصل موفقیت معرفی می‌کند.

ارتباط خودباوری با بُعد اقتصادی رشد: تبیین بُعد اقتصادی خودباوری، در نظام فکری اسلامی اهمیت بسیاری دارد. اقتصاد اسلامی اساساً بر ترکیب عقل، اخلاق و ایمان بنا شده است. خودباوری در این بستر، موتور انگیزش اقتصادی اخلاق‌مدار است (Haque & Keshavarzi, ۲۰۲۳: ۴۴). انسان مؤمن با باور به توان الهی خود، از وابستگی روانی به قدرت‌های بیرونی رها می‌شود و فعالیت اقتصادی را مجرای برای تحقق مسئولیت خلافت می‌داند. بدین ترتیب، اعتماد به توان الهی فرد و جامعه موجب اشتغال‌زایی، حفظ سرمایه ملی و تعادل بین مصرف و تولید می‌شود (سجادی و همکاران، ۱۴۰۲: ۳۵؛ رفیعی مجومرد، ۱۴۰۳: ۱۴۷) بیان می‌دارد خودباوری به معنای ایمان به داشته‌ها و توانمندی خود است و از یک زاویه به خودباوری فردی و جمعی تقسیم می‌شود. متعلقات این خودباوری می‌تواند در حیطه‌های مختلف فرهنگی، اقتصادی و... باشد که از نتایج آن شکوفایی و رشد می‌باشد. براین اساس، توجه به اصل خودباوری در اقتصاد، یکی از رموز موفقیت و پیشرفت در استقلال اقتصادی است که در سایه آن افراد از ظرفیت‌ها و توانمندی‌های خود اطلاع یافته و هوشمندانه از آن بهره می‌برند؛ ضرورت

توجه به این امر در اقتصاد تا اندازه‌ای است که حتی می‌توان به‌وسیله آن به خودکفایی در اقتصاد رسید. (صدر، ۱۳۸۵: ۴۲۱) در تبیین نگرش اقتصادی اسلام می‌نویسد که «رشد اقتصادی بدون رشد معنوی، نه پایداری دارد و نه عدالت». همین اصل نشان می‌دهد که خودباوری توحیدی، اساس استقلال اقتصادی و مصونیت فرهنگی است. انسان خودباور، در نگاه قرآنی، نه تنها به رزق مادی دست می‌یابد، بلکه رزق معنوی عزت و اطمینان قلبی را نیز تجربه می‌کند. بر پایه تحلیل‌های قرآنی و مطالعات معاصر، خودباوری قرآنی مفهومی چند سطحی است که ریشه در معرفت، ایمان و عمل دارد. این باور، انسان را از وابستگی، ترس و تردید آزاد کرده و او را به‌سوی رشد در عرصه‌های فردی و اجتماعی سوق می‌دهد. در بعد اقتصادی، خودباوری قرآنی اساس اقتصاد مسئولانه، عدالت‌محور و تولیدگر است؛ بنابراین، شناخت نظری و عملی این مفهوم برای بازسازی الگوی انسان اسلامی در جامعه امروز امری ضروری است. (میلانی، ۱۳۹۴: ۵) بیان می‌دارد با تکیه بر خودباوری ملی و با عزم جهادی برای تحقق این هدف می‌توان به تحول اقتصادی و ارائه یک اقتصاد الگو دست یافت. ایشان تلاش داشتند تا با تکیه بر این مبانی نظری، مدلی برای ارتباط میان خودباوری، ایمان و رشد اقتصادی در چارچوب انسان اسلامی ارائه نمایند.

۵. تحلیل آیات و تفسیر کاربردی در رشد اقتصادی انسان اسلامی

الف) مبانی قرآنی خودباوری اقتصادی

خودباوری اقتصادی در قرآن کریم بر بنیانی انسان‌شناختی استوار است که در آن، انسان موجودی کریم، مسئول و توانمند در عرصه آبادانی زمین معرفی می‌شود. آیه «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (اسراء: ۷۰) بیانگر آن است که خداوند برای انسان منزلتی ویژه قائل شده است. این کرامت الهی به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی اعتماد انسان به توانایی‌های خود در عرصه‌های فردی و اجتماعی،

از جمله فعالیت‌های اقتصادی، به شمار می‌رود. بسیاری از مفسران بر این نکته تأکید کرده‌اند که کرامت انسانی صرفاً منزلتی تشریفاتی نیست، بلکه به ظرفیت‌های عقلانی، ارادی و خلاق انسان اشاره دارد که زمینه کنشگری فعال او را در جامعه فراهم می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ۱۳: ۸۳؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱۲: ۱۰۹). در کنار اصل کرامت، مفهوم خلافت الهی نیز از مبانی مهم خودباوری اقتصادی در قرآن است. خداوند در آیه «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (بقره: ۳۰) انسان را جانشین خود در زمین معرفی می‌کند. از منظر تفسیری، خلافت الهی به معنای مسئولیت انسان در مدیریت، بهره‌برداری و آبادانی زمین است (طبرسی، ۱۳۷۲، ۱: ۱۷۷). چنین مسئولیتی مستلزم آن است که انسان به ظرفیت‌های خود اعتماد داشته باشد و در مسیر عمران و توسعه جامعه تلاش کند؛ از این رو، خودباوری اقتصادی در نگاه قرآنی نه صرفاً یک حالت روانی، بلکه لازمه ایفای نقش انسان در نظام آفرینش است. از سوی دیگر، مفهوم توکل نیز در شکل‌گیری روحیه خودباوری اقتصادی نقش مهمی دارد. قرآن کریم می‌فرماید: «وَعَلَى اللَّهِ فَتَوَكَّلُوا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (مائده: ۲۳). توکل در فرهنگ قرآنی به معنای واگذاری امور به خداوند پس از تلاش و برنامه‌ریزی است، نه ترک فعالیت اقتصادی؛ بنابراین، توکل به‌عنوان پشتوانه معنوی تلاش اقتصادی، می‌تواند اعتماد به نفس و آرامش روانی انسان را در مواجهه با چالش‌های اقتصادی تقویت کند (مصباحی مقدم و همکاران، ۱۳۹۲: ۴۴).

ب) تجلیات خودباوری در رفتارهای اقتصادی

قرآن کریم در آیات متعدد، انسان را به تلاش و فعالیت اقتصادی دعوت می‌کند. آیه «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» (نجم: ۳۹) یکی از مهم‌ترین مبانی قرآنی برای تبیین نقش تلاش در پیشرفت اقتصادی است. این آیه نشان می‌دهد که بهره‌مندی انسان از نتایج اقتصادی به میزان تلاش او وابسته است و هیچ‌گونه رشد اقتصادی بدون سعی و کوشش تحقق نمی‌یابد (فخر رازی، ۱۴۲۰ ق، ۲۹: ۲۹).

۸۴). همچنین قرآن با دعوت انسان به حرکت در زمین و بهره‌گیری از منابع طبیعی، روحیه پویایی اقتصادی را تقویت می‌کند. در آیه «فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِن رِّزْقِهِ» (ملک: ۱۵) انسان به حرکت، تلاش و استفاده از امکانات زمین فراخوانده شده است. این آیه بیانگر آن است که رزق الهی در بستر تلاش و فعالیت انسان به دست می‌آید (قرائتی، ۱۳۸۳، ۹: ۲۱۱). از سوی دیگر، قرآن کریم به اهمیت دانش و توانمندی‌های انسانی در مدیریت اقتصادی اشاره دارد. در داستان انتخاب طالوت به فرماندهی بنی‌اسرائیل آمده است: «وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ» (بقره: ۲۴۷). این آیه نشان می‌دهد که توان علمی و جسمی از معیارهای اساسی در مدیریت اجتماعی و اقتصادی به شمار می‌روند. درواقع، خودباوری اقتصادی زمانی شکل می‌گیرد که جامعه به توسعه دانش، مهارت و توانمندی‌های انسانی توجه کند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ق، ۲: ۳۲۰). همچنین قرآن کریم با نفی سلطه اقتصادی بیگانگان، به تقویت استقلال اقتصادی جامعه اسلامی توجه دارد. آیه «وَلَن يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء: ۱۴۱) از دیدگاه بسیاری از مفسران، ناظر به نفی هرگونه سلطه پایدار سیاسی و اقتصادی بر جامعه اسلامی است (طبرسی، ۱۳۷۲، ۳: ۲۰۷)؛ بنابراین، خودباوری اقتصادی در سطح اجتماعی نیز به معنای تلاش برای کاهش وابستگی و تقویت ظرفیت‌های درونی جامعه است.

ج) خودباوری و عدالت اقتصادی

یکی از ابعاد مهم خودباوری اقتصادی در قرآن، پیوند آن با عدالت اقتصادی است. قرآن هدف بعثت پیامبران را برپایی عدالت در جامعه معرفی می‌کند: «لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید: ۲۵). این آیه نشان می‌دهد که نظام اجتماعی مطلوب در نگاه قرآن، نظامی عادلانه است که در آن فرصت‌های اقتصادی به‌صورت متوازن توزیع می‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷، ق، ۱۹: ۱۶۳).

در این چارچوب، قرآن کریم نسبت به نظام‌های اقتصادی مبتنی بر ربا هشدار می‌دهد. آیه «يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُزِيلُ الصَّدَقَاتِ» (بقره: ۲۷۶) بیانگر آن است که

نظام ربوی در نهایت موجب نابودی برکت اقتصادی می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۲: ۳۳۷). در مقابل، انفاق و صدقه به عنوان سازوکارهای تقویت همبستگی اجتماعی و عدالت اقتصادی معرفی شده‌اند. قرآن در آیه «مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ...» (بقره: ۲۶۱) انفاق را عاملی برای افزایش برکت و رشد اقتصادی می‌داند. از این منظر، خودباوری اقتصادی تنها به معنای استقلال فردی نیست، بلکه با مسئولیت اجتماعی و مشارکت در توسعه اقتصادی جامعه نیز پیوند دارد.

د) موانع خودباوری اقتصادی از منظر قرآن

قرآن کریم علاوه بر ارائه مبانی و راهکارهای رشد اقتصادی، به برخی از موانع روانی و اخلاقی آن نیز اشاره می‌کند. یکی از مهم‌ترین این موانع یأس و ناامیدی است. خداوند می‌فرماید: «إِنَّهُ لَا يَيْئَسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ» (یوسف: ۸۷). ناامیدی از رحمت الهی می‌تواند روحیه تلاش و فعالیت اقتصادی را در انسان تضعیف کند (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ۱۱: ۳۱۵). از سوی دیگر، حرص و دل‌بستگی افراطی به مال نیز مانع شکل‌گیری خودباوری سالم اقتصادی است. قرآن در سوره عادیات به این ویژگی انسان اشاره می‌کند: «إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ» (عادیات: ۶). حرص اقتصادی می‌تواند انسان را از مسیر عدالت و اخلاق اقتصادی منحرف سازد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۲۷: ۱۷۸). همچنین تنبلی و غفلت از استعدادهای انسانی از دیگر موانع رشد اقتصادی به شمار می‌رود. قرآن در آیه «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا» (شمس: ۹) بر ضرورت پرورش و شکوفایی استعدادهای انسانی تأکید می‌کند. این آیه نشان می‌دهد که رشد و پیشرفت انسان در گرو تزکیه نفس و تلاش برای شکوفایی توانایی‌های درونی است (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ۲۰: ۲۶۵). بر اساس تحلیل آیات قرآن کریم، خودباوری اقتصادی در چارچوب انسان‌شناسی اسلامی بر سه محور اصلی استوار است: کرامت و خلافت انسانی، تلاش و کنش فعال اقتصادی و تحقق عدالت اجتماعی. قرآن انسان را موجودی توانمند و مسئول معرفی می‌کند که با اتکا به ایمان، دانش،

تلاش و توکل می‌تواند در مسیر توسعه اقتصادی فردی و اجتماعی گام بردارد. در مقابل، عواملی همچون یأس، حرص، تنبلی و وابستگی اقتصادی از مهم‌ترین موانع تحقق این خودباوری به شمار می‌روند؛ بنابراین، رشد اقتصادی انسان اسلامی تنها یک فرآیند مادی نیست، بلکه بخشی از مسیر تعالی انسانی و تحقق اهداف الهی در جامعه محسوب می‌شود.

۶. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف تبیین مفهوم خودباوری قرآنی و بررسی رابطه آن با رشد انسان اسلامی در بُعد اقتصادی انجام شد. بر اساس تحلیل مفهومی و تفسیری آیات قرآن و بررسی دیدگاه‌های تفسیری و نظری، نتایج زیر حاصل گردید:

۱. خودباوری از منظر قرآن کریم، باور درونی انسان به توانایی و مسئولیت الهی خویش است که ریشه در ایمان، توکل و کرامت دارد. این خودباوری برخلاف اعتماد به نفس صرف، بر اتصال به قدرت الهی استوار است و انسان را از وابستگی به غیر خدا و بی‌ارادگی نجات می‌دهد.

۲. رابطه خودباوری با رشد انسان اسلامی، رابطه‌ای دوسویه و سازنده است. خودباوری، محور فعال‌سازی استعدادهای انسانی و حرکت به سوی کمال است و رشد انسان اسلامی نیز تجلی این باور در ابعاد اخلاقی، علمی و اقتصادی است.

۳. بُعد اقتصادی در قرآن نه تنها عرصه فعالیت مادی بلکه صحنه تحقق ارزش‌های الهی است. انسان خودباور با تکیه بر ایمان و عقلانیت الهی، در اقتصاد نقش فعال دارد: کار را عبادت می‌داند، تلاش را ارزش حق‌مدار می‌بیند و رشد اقتصادی را جزئی از مسئولیت خلافت الهی تلقی می‌کند. آیاتی چون «وَقُلْ اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللّٰهُ عَمَلَكُمْ» و «اِنَّ اللّٰهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ...» اساس این دیدگاه را شکل می‌دهند.

خودباوری قرآنی موجب شکل‌گیری شخصیت اقتصادی مؤمن، عدالت‌محور و خلاق می‌شود؛ انسانی که اعتماد به نفس او در خدمت اصلاح و آبادانی زمین است، نه در پی منفعت‌جویی فردی یا سلطه‌طلبی.

در مجموع، می‌توان گفت که خودباوری قرآنی مبنای رشد و توسعه انسان اسلامی در همه ابعاد، به‌ویژه در بعد اقتصادی است. این خودباوری: انسان را از وابستگی ذهنی و فرهنگی به الگوهای غیر الهی می‌رهاند؛ انگیزه کار و ابتکار را در چارچوب ایمان و عدالت تقویت می‌کند؛ کرامت و عزت نفس اقتصادی امت اسلامی را احیا می‌سازد؛ و نهایتاً به تحقق تمدن اسلامی بر پایه ایمان، عدالت و تلاش منجر می‌شود.

خلاصه نتایج نشان می‌دهد که در منطق قرآنی، رشد اقتصادی پدیده‌ای صرفاً مادی نیست، بلکه بر بنیان انسان‌شناسی توحیدی استوار است؛ بدین معنا که انسان برخوردار از کرامت و خلافت الهی، با خودباوری برآمده از ایمان، به کنشگری مسئولانه در عرصه تولید، عمران و عدالت اقتصادی سوق داده می‌شود. در این چارچوب، سعی و کار، در پیوند با توکل، امید، دانش و تزکیه معنا می‌یابد و رشد اقتصادی تنها زمانی اصیل و پایدار است که در خدمت قسط، کاهش نابرابری و صیانت از عزت و استقلال جامعه قرار گیرد. از این رو، خودباوری اقتصادی در قرآن را می‌توان بر سه رکن کرامت و مسئولیت الهی انسان، پیوند تلاش با توکل و امید، و جهت‌گیری عدالت‌محور رفتار اقتصادی استوار دانست. بر این اساس، نوآوری پژوهش حاضر آن است که با عبور از رویکردهای صرفاً فقهی یا ساختاری، «خودباوری اقتصادی» را به‌مثابه حلقه واسط میان مبانی انسان‌شناختی قرآن و الگوی رشد اقتصادی انسان اسلامی صورت‌بندی می‌کند؛ حلقه‌ای که هم یافته‌های پیشین را تکمیل می‌کند و هم تبیینی عمیق‌تر از نسبت ایمان، خودباوری و توسعه عادلانه به دست می‌دهد.

مبانی قرآنی، به‌ویژه اصل کرامت ذاتی انسان در آیه «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ»، نخست در سطح روانی به تقویت عزت نفس، احساس ارزشمندی و خودباوری می‌انجامد. انسانی که خود را برخوردار از کرامت الهی می‌داند، کمتر دچار احساس حقارت، انفعال و وابستگی می‌شود و در نتیجه، توانایی‌ها و ظرفیت‌های خویش را برای ایفای نقش فعال در زندگی فردی و اجتماعی جدی‌تر می‌گیرد.

همین تحول روانی، در سطح اقتصادی نیز پیامدهای روشنی دارد؛ به این معنا که فرد و جامعه را به پرهیز از وابستگی اقتصادی، اهتمام به کار و تولید، و کوشش برای حفظ عزت و استقلال اقتصادی سوق می‌دهد. بنابراین، میان مبانی انسان‌شناختی قرآن و نتایج اقتصادی آن، رابطه‌ای پیوسته و معنادار برقرار است؛ به گونه‌ای که آموزه‌های قرآنی از مسیر تقویت خودباوری، زمینه‌ساز رفتار اقتصادی فعال، مستقل و عزتمند می‌شوند.

منابع

* قرآن کریم.

- نهج البلاغه. (۱۳۷۹). محمد بن حسین شریف رضی. قم: مشهور.
- ابراهیمی زاد جویمی، رقیه؛ تلاشان، فرح. (۱۳۹۴). اصول اخلاقی اقتصادی در عرصه توزیع از دیدگاه قرآن و احادیث. پژوهشنامه معارف قرآنی (۱۷). ۵. صص ۱۲۵-۱۴۹.
- ایازی، سیدعلی نقی. (۱۴۰۲). «دین داری و تاب آوری اجتماعی در آموزه های قرآنی». فصلنامه مشکوه. پیاپی ۱۵۸. صص ۶۴-۸۷.
- بذریاش، مهرداد؛ صالحی، وحید. (۱۴۰۵). «تبیین جامعه شناختی رابطه توسعه پایدار و حقوق بشر در بستر اندیشه اسلامی». فصلنامه علمی مطالعات حقوق بشر اسلامی. دوره ۱۵. صص ۱-۱۸.
- ذوالفقاری، علی؛ میرزائی، محمد. (۱۴۰۴). «عوامل موثر بر تحقق هم گرایی اجتماعی از منظر قرآن کریم». فصلنامه مشکوه. (۲) ۴۴. صص ۱۲۰-۱۴۲.
- صدر، محمدباقر. (۱۳۸۵). اقتصادنا. تهران: موسسه بوستان کتاب.
- صالحی، مرضیه؛ رخشنده ابرقویی، مریم؛ احمدی، افشین. (۱۴۰۰). «افزایش اعتماد به نفس در روان شناسی دین» مجله مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی، دوره ۴. شماره ۲۵. صص ۱-۱۲.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۴۱۷ ق). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- سجادی، سید ابوالقاسم. حسینی، سید محمد. و دیگران. (۱۴۰۲ ش). «تحلیل الگوی رفتار اقتصادی خلیفه الهی در نظام اسلامی: رویکردی بر پایه تولید و مصرف پایدار». فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد و مدیریت اسلامی. دوره ۱۱. شماره ۲. صص ۳۵-۶۰.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: ناصر خسرو.
- فخر رازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰ ق). مفاتیح الغیب. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- قرآنی، محسن. (۱۳۸۳). تفسیر نور. تهران: مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن.
- حسینی، مهدیه؛ برهن، مریم. (۱۴۰۲). «ضعف اراده آدمی و روش های اصلاح آن بر اساس قرآن کریم». فصلنامه مشکوه. پیاپی ۱۵۸. صص ۱۴۱-۱۶۳.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۸). حیات حقیقی انسان در قرآن. نوبت چاپ ۸. جلد ۱۵. قم: اسراء.
- حسامی عزیزی، باقر. (۱۴۰۴). «خودباوری از منظر قرآن کریم و تأثیر آن بر ابعاد مختلف رشد: عبادی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی». مطالعات فهم قرآن. ۲ (۳). صص ۱۵۹-۱۷۵. <https://doi.org/10.22080/qhs.10/2025/5869>
- رفیعی محمود، زهرا. (۱۴۰۳). «جایگاه خودباوری در استقلال اقتصادی از منظر نهج البلاغه». فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش های نهج البلاغه. ۲۳ (۳). صص ۱۴۷-۱۶۶.
- فلاحیان بیشه، ملیحه؛ محرابی، زهره. (۱۴۰۴). «نقش عوامل فرهنگی - اقتصادی در تقویت اقتدار ملی با تأکید بر دین، نظم، خودباوری و اقتصاد مقاومتی در جامعه اسلامی». چهارمین همایش ملی دین، فرهنگ و اقتدار ملی. ۱-۲۳.
- فعالی، محمدتقی. (۱۳۹۴). «خودباوری: چالش ها و راهکارها (با تأکید بر نگرش دینی)». پژوهش های اخلاقی. سال پنجم. شماره ۴. صص ۵۳-۸۲.
- مصباحی مقدم، غلامرضا؛ رعایایی، مهدی؛ همتیان، مهدی. (۱۳۹۲). «مولفه های غیر مادی رشد

- اقتصادی از منظر قرآن کریم». مطالعات اقتصاد اسلامی. سال ۶. شماره ۱. پیاپی ۱۱. صص ۶۱-۹۰.
- عاشوری، حسین. خوش نیت، غلامرضا. (۱۴۰۴). «جایگاه خودباوری در پیشرفت جامعه اسلامی از دیدگاه آیات و مقام معظم رهبری». یازدهمین همایش علمی پژوهشی علوم تربیتی و روانشناسی، آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی ایران. تهران. ۱-۱۲. <https://civilica.com/doc/2471548/>
- عبداللهی عابد، صمد؛ قبادی، مهری. (۱۳۹۳). «راهکارهای قرآن برای رونق اقتصادی». سراج منیر. ۵ (۱۶). صص ۱۰۹-۱۳۰. doi: ۲۲۰۵۴/۱۰/۱۳۳۱.ajsm/۲۰۱۴
- علیزاده، فرشته؛ قطبی، ثریا. (۱۴۰۲). «خودباوری در روایات امام علی (ع)». فصلنامه مشکوه. پیاپی ۱۵۸. صص ۳۳-۶۳.
- میرمعزی، سیدعباس. (۱۳۹۰). مبانی اقتصاد اسلامی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- مهدوی فرد، امیرعباس؛ مرادی، محمد. (۱۴۰۵). «فرآیندشناسی خلق روحیه خودباوری در سیره معصومان (ع)». فصلنامه پژوهش‌های اخلاقی. ۱۶ (۴). صص ۲۴۵-۲۶۷.
- مطهری، مرتضی. (۱۴۰۲). انسان و ایمان. تهران: صدرا.
- مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۸۷). اخلاق در قرآن. قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. قم: دارالکتب الاسلامیه.
- معصومی، سید ابراهیم. (۱۴۰۴). «تبیین نظریه مقاومت و نصرت الهی با تأکید بر آیه ۴۰ سوره حج: مبنایی برای الگوی پیشرفت (اسلامی-ایرانی) در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای». فصلنامه مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی. دوره ۱۳. شماره ۴ (پیاپی ۳۶). زمستان ۱۴۰۴.
- میلانی، جمیل. (۱۳۹۴). «اقتصاد مقاومتی و خودباوری ملی، فرصت‌ها و چالش‌های تحقق آن». مجله اقتصادی. شماره ۷ و ۸. صص ۵-۲۲.
- میرزایی، مصطفی؛ غفاری، حسین؛ کمالی، محمد مهدی. (۱۳۹۵). «انسان و عمومیت خلافت الهی». آموزه‌های فلسفه اسلامی، ۱۱ (۱۹). صص ۱۳۱-۱۵۲.
- Bandura, Albert. (1997m). *Self-efficacy: The Exercise of Control*. New York: W.H. Freeman.
- Chapman, Samuel. (2022m). "Faith and economic motivation: Revisiting moral capital in contemporary societies". *Oxford Islamic Studies Journal*. 14 (2). 89-113.
- Haque, Amber. & Keshavarzi, Hooman. (2023m). "Islamic psychology and the moral economy". *Journal of Religion and Society*. 25 (1). 44-62.
- Singh, Rajiv. (2024m). "Religious self-belief and youth economic behavior in Southeast Asia". *Asian Economic Review*. 36 (4). 210-233.

References

The Holy Qur'an

- ‘Abdullahī ‘Ābid, Şamad; Qubādī, Mehri. (1393 SH.). “Rāhkārḥā-yi Qur’ān barā-yi Rownāq-i Iqtisādī.” *Journal of Sirāj-i Munīr*, 5(16), pp. 109–130. doi:10.22054/ajsm.2014.1331
- ‘Alizādeh, Fereshteh; Qutbī, Thūriyā. (1402 SH.). “Khud-bāvarī dar Rivāyāt-i Imam ‘Ali (‘a.s.).” *Mishkāt Quarterly Journal*, no. 158, pp. 33–63.
- ‘Āshūrī, Husayn; Khūsh-Niyat, Ghulām Reza. (1404 SH.). “Jāyigāh-i Khud-bāvarī dar Pīshraft-i Jāmi‘eh-yi Islāmī az Dīdgāh-i Āyāt va Maqām-i Mu‘azzam-i Rahbarī.” 11th Scientific-Research Conference on Educational Sciences and Psychology, and Social and Cultural Pathologies in Iran. Tehran, pp. 1–12. <https://civilica.com/doc/2471548>
- Bandura, Albert. (1997). *Self-efficacy: The Exercise of Control*. New York: W.H. Freeman.
- Bazarpāsh, Mehrdād; Şāliḥī, Vahīd. (1405 SH.). “Tabayīn-i Jāmi‘eh-shinākhī-yi Rābiṭeh-yi Tawṣī‘eh-yi Pāydār va Ḥuqūq-i Bashār dar Baṣṭar-i Andīseh-yi Islāmī.” *Quarterly Journal of Muṭāla‘āt-i Ḥuqūq-i Bashār-i Islāmī*, vol. 15, pp. 1–18.
- Chapman, Samuel. (2022). “Faith and economic motivation: Revisiting Moral Capital in Contemporary Societies”. *Oxford Islamic Studies Journal*. 14 (2). 89–113.
- Dhū al-Fiqrī, ‘Ali; Mīrzā‘ī, Muḥammad. (1404 SH.). “‘Awāmil-i Mu‘aththir bar Taḥaqqūq-i Hamgarāyī-yi Ijtīmā‘ī az Manẓar-i Qur’ān-i Karīm.” *Mishkāt Quarterly Journal*, 44(2), pp. 120–142.
- Fa‘ālī, Muḥammad Taqī. (1394 SH.). “Khud-bāvarī: Chalish-hā va Rāhkārḥā (bā Tākīd bar Nigārish-i Dīn).” *Pazhūhish-hā-yi Akhlāqī*, year 5, no. 4, pp. 53–82.
- Fakhr al-Rāzī, Muḥammad ibn ‘Umar. (1420 AH). *Mafātīḥ al-Ghayb*. Beirut: Dār Ihya’ al-Turāth al-‘Arabī.
- Fallāḥiyyān-Bīsheh, Malīḥeh; Muḥarrabī, Zūhrah. (1404 SH.). “Naqsh-i ‘Awāmil-i Farhangī–Iqtisādī dar Taqviyat-i Iqtidār-i Millī bā Tākīd bar Dīn, Naẓm, Khud-bāvarī va Iqtisād-i Muqāwamatī dar Jāmi‘eh-yi Islāmī.” 4th National Conference on Religion, Culture, and National Power, pp. 1–23.
- Haque, Amber. & Keshavarzi, Hooman. (2023). “Islamic Psychology and the Moral Economy”. *Journal of Religion and Society*. 25 (1). 44–62.
- Ḥusāmī-‘Azīzī, Bāqir. (1404 SH.). “Khud-bāvarī az Manẓar-i Qur’ān-i Karīm va Tāthīr-i Ān bar Ab‘ād-i Mukhtalif-i Rushd: ‘Ibādī, Iqtisādī, Ijtīmā‘ī va Siyāsī.” *Journal of Muṭāla‘āt-i Fahm-i Qur’ān*, 2(3), pp. 159–175. <https://doi.org/10.22080/qhs.2025.5869>
- Ḥusaynī, Mahdiyyeh; Barhaman, Maryam. (1402 SH.). “Da‘f-i Irādeh-yi Ādamī va Ravesh-hā-yi Iṣlāḥ-i Ān bar Asās-i Qur’ān-i Karīm.” *Mishkāt Quarterly Journal*, no. 158, pp. 141–163.
- Ibrāhīmīzād Jūyāmī, Ruqayyeh; Talāshān, Faraj. (1394 SH.). “Uṣūl-i Akhlāqī-yi Iqtisādī dar ‘Arṣeh-yi Tawzī‘ az Dīdgāh-i Qur’ān va Aḥādīth.” *Pazhūhishnāmeh-yi Ma‘ārif-i Qur’ānī*, no. 17(5), pp. 125–149.
- Īyāzī, Sayyid ‘Ali Naqī. (1402 SH.). “Dīndārī va Tāvānī-yi Ijtīmā‘ī dar Āmūzeh-hā-yi Qur’ānī.” *Mishkāt Quarterly Journal*, no. 158, pp. 64–87.
- Javadi Amoli, ‘Abdullah. (1398 SH.). *Ḥayāt-i Ḥaqīqī-yi Insān dar Qur’ān*. 8th ed., vol. 15. Qom: Isrā’ Publications.
- Mahdavi-Fard, Amīr ‘Abbās; Murādī, Muḥammad. (1405 SH.). “Farāyand-shināsī-yi Khalq-i Rūhiyyeh-yi Khud-bāvarī dar Sīreh-yi Ma‘šūmān (‘a.s.).” *Quarterly Journal of Pazhūhish-hā-yi Akhlāqī*, 16(4), pp. 245–267.
- Makārim Shīrāzī, Nāṣir, et al. (1374 Sh.). *Tafsīr-i Nemūneh*. Qom: Dār al-Kutub al-Islāmiyyah.
- Ma‘šūmī, Sayyid Ibrāhīm. (1404 SH.). “Tabayīn-i Naẓariyyeh-yi Muqāwamat va Nuṣrat-i Ilāhī bā Tākīd bar Āyeh-yi 40 Sūrat-i Ḥajj; Mabnāyī barā-yi Olgu-yi Pīshraft-i Islāmī– Irani

- dar Andīsheh-yi Siyāsī-yi Ayatollah Khamenei.” Quarterly Journal of Muṭālī‘āt-i Olgu-yi Pīshraft-i Islāmī-Irani, vol. 13, no. 4 (serial no. 36), Winter 1404.
- Mīlānī, Jamīl. (1394 SH.). “Iqtisād-i Muqāvamatī va Khud-bāvarī-yi Millī, Furṣat-hā va Chalish-hā-yi Taḥaqqūq-i Ān.” Journal of Iqtisādī, nos. 7–8, pp. 5–22.
- Mīrmu‘izzī, Sayyid ‘Abbās. (1390 SH.). Mabānī-yi Iqtisād-i Islāmī. Qom: Research Institute of Hawzah and University.
- Mīrzā‘ī, Muṣṭafā; Ghaffārī, Ḥusayn; Kamālī, Muḥammad Mahdi. (1395 SH.). “Insān va ‘Umūmiyyat-i Khilāfat-i Ilāhī.” Āmūzeh-hā-yi Falsafeh-yi Islāmī, 11(19), pp. 131–152.
- Miṣbāḥ Yazdī, Muḥammad Taqī. (1387 SH.). Akhlāq dar Qur’ān. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute.
- Miṣbāḥī-Muqaddam, Ghulām Reza; Ra‘āyā‘ī, Mahdi; Hamatiyān, Mahdi. (1392 SH.). “Mu‘allifeh-hā-yi Ghayr-i Mādī-yi Rushd-i Iqtisādī az Manzar-i Qur’ān-i Karīm.” Journal of Muṭālā‘āt-i Iqtisād-i Islāmī, year 6, no. 1 (serial no. 11), pp. 61–90.
- Motahhari, Morteza. (1402 SH.). Insān va Īmān. Tehran: Šadrā Publications.
- Qarā‘atī, Muḥsin. (1383 SH.). Tafsīr-i Nūr. Tehran: Markaz-i Farhangī-yi Dars-hā-yi Qur’ān.
- Rafī‘ī Majūmard, Zahrā. (1403 SH.). “Jāyigāh-i Khud-bāvarī dar Istiqlāl-i Iqtisādī az Manzar-i Nahj al-Balāghah.” Quarterly Journal of Pazhūhish-hā-yi Nahj al-Balāghah, 23(3), pp. 147–166.
- Šadr, Muḥammad Bāqir. (1385 SH.). Iqtisādunā. Tehran: Mu‘assaseh-yi Būstān-i Kitāb.
- Sajjādī, Sayyid Abū al-Qāsim; Ḥusaynī, Sayyid Muḥammad; et al. (1402 SH.). “Taḥlīl-i Olgu-yi Raftār-i Iqtisādī-yi Khalīfeh-yi Ilāhī dar Nizām-i Islāmī: Rūvikardī bar Pāyeh-yi Tawlīd va Mašraf-i Pāydār.” Quarterly Journal of Iqtisād va Mudiriyyat-i Islāmī, vol. 11, no. 2, pp. 35–60.
- Šāliḥī, Marziyyeh; Rakhshandeh Abrūqū‘ī, Maryam; Aḥmadī, Afshīn. (1400 SH.). “Afzāyish-i I‘timād bih Nafs dar Ravān-shināsī-yi Dīn.” Journal of Muṭālā‘āt-i Ravānshināsī va ‘Ulūm-i Tarbiyatī, vol. 4, no. 25, pp. 1–12.
- Sharīf al-Raḍī, Muḥammad ibn al-Ḥusayn. (1379 SH.). Nahj al-Balāghah. Qom: Mashhūr Publications.
- Singh, Rajiv. (2024). “Religious Self-belief and Youth Economic Behavior in Southeast Asia”. Asian Economic Review. 36 (4). 210–233.
- Ṭabāṭabā‘ī, Sayyid Muḥammad Ḥusayn. (1417 AH). al-Mizān fī Tafsīr al-Qur’ān. Qom: Daftar-i Intishārāt-i Islāmī.
- Ṭabrisī, Faḍl ibn Ḥasan. (1372 SH.). Majma‘ al-Bayān fī Tafsīr al-Qur’ān. Tehran: Nāšir Khusrōw.

| Extended Abstract |

Self-Belief and the Development of the Muslim Individual, with Emphasis on the Economic Dimension: A Qur'anic Perspective

Baqer Hesami Azizi

Research Objective:

Self-belief constitutes one of the fundamental components of human development in the individual, social, and economic spheres. From a Qur'anic perspective, the human being is endowed with dignity, responsibility, free will, and God-given capacities for growth and perfection. Within this framework, self-belief is not merely a psychological or individual concept; rather, it is rooted in a monotheistic worldview and a divinely grounded understanding of the human person. This study aims to elucidate the status of self-belief in the development of the Islamic individual, with particular emphasis on its economic dimension, from the perspective of the Holy Qur'an. It seeks to demonstrate how belief in intrinsic human dignity, divine vicegerency, faith, trust in God, and responsibility toward God and society provides the foundation for the formation of an active, industrious, responsible, and independent individual in the economic sphere.

The central research question is how Qur'anic self-belief can serve as a basis for redefining the economic individual within an Islamic framework and what role it plays in promoting the balanced development of both the individual and society. Accordingly, the study seeks to derive from Qur'anic teachings a model for the development of the Islamic individual in which economic flourishing is understood in relation to faith, ethics, justice, and self-respect.

Research Methodology:

This study employs a descriptive-analytical method and adopts an exegetical-conceptual approach. Its primary data were drawn from verses of the Holy Qur'an, authoritative exegetical works, and contemporary studies in the fields of Qur'anic anthropology and Islamic economics. In the first stage, verses related to such concepts as human dignity, divine vicegerency, free will, endeavor and effort, trust in God, social responsibility, charitable giving, cooperation, and economic justice were identified and extracted. These verses were subsequently examined through conceptual and intra-textual analysis to clarify the relationship between self-belief and the development of the Islamic individual.

Rather than approaching self-belief from a purely psychological or individualistic perspective, the study situates it within a broader semantic network encompassing the interrelationships among faith, responsibility, work, production, and social justice. The research method was therefore designed to identify both the direct implications of the relevant verses and their broader conceptual and educational requirements in the spheres of economic activity and social conduct.

Findings:

The findings indicate that Qur'anic self-belief rests on three fundamental foundations: faith in God, recognition of human dignity, and confidence in God-given abilities. From a Qur'anic perspective, the human being is not a passive and dependent creature but God's vicegerent on earth, endowed with the capacity for development, production, and reform.

This understanding encourages the believer, rather than surrendering to poverty, weakness, fear, or dependence, to draw upon inner and God-given capacities and pursue the path of growth and advancement. In the Qur'anic framework, self-belief does not signify pride, arrogance, or absolute self-sufficiency; rather, it denotes a conscious confidence in the abilities and responsibilities with which God has endowed the human being.

Another significant finding is that Qur'anic self-belief does not conflict with trust in God or human effort; rather, these concepts are mutually reinforcing. Within the Qur'anic framework, a self-believing individual regards work and endeavor as divine responsibilities and rejects passivity, dependence, and inactive expectation. Such an individual understands work as an act of worship, production as a responsibility, and economic advancement as part of the human obligation arising from divine vicegerency. Consequently, the economic dimension of the Islamic individual is not confined to the acquisition of income but encompasses an ethical and social orientation throughout the processes of production and distribution.

The findings further demonstrate that Qur'anic self-belief strengthens social responsibility. Teachings concerning charitable giving, cooperation, benevolence, and the rejection of economic oppression indicate that, in the Qur'an, individual development is inseparable from collective development. A self-believing individual does not pursue personal advancement alone but also assumes responsibility for the welfare of others and contributes to poverty alleviation, the reduction of inequality, and the realization of economic justice. From this perspective, Qur'anic self-belief provides the foundation for the formation of a dynamic, independent, and justice-oriented society. The study also demonstrates that this form of self-belief can liberate the Islamic ummah from intellectual and cultural dependence on non-divine models and restore economic dignity and self-respect at both individual and collective levels.

Conclusion:

The findings demonstrate that self-belief in the Holy Qur'an is a profound and multi-dimensional concept directly associated with the development of the Islamic individual. In the economic sphere, it plays a central role in shaping productive, responsible, and justice-oriented conduct. Unlike materialistic models, the Islamic economic individual does not seek merely to maximize personal benefit. Rather, guided by faith, dignity, and responsibility, such an individual directs work and effort toward serving society and realizing justice. Qur'anic self-belief thus transforms the human being into an active, creative, independent, and committed individual who both recognizes personal abilities and remains accountable before God and society.

The study ultimately concludes that the development of the Islamic individual would remain incomplete and unsustainable without self-belief, since self-belief constitutes a necessary condition for the flourishing of human capacities, the strengthening of initiative, and the realization of economic justice. Reinforcing Qur'anic teachings concerning human dignity, divine vicegerency, trust in God, effort, and social responsibility can therefore contribute to the formation of a generation capable of advancing progress, justice, and Islamic civilization at both individual and social levels. Within this framework, Qur'anic self-belief is not merely an individual virtue but also a foundation for reconstructing the culture of work, production, entrepreneurship, and economic independence in Islamic society.

Keywords: Self-belief; Holy Qur'an; Economic development; Muslim individual